

## نقش قاعده تعاون بر نیکی در حاکمیت و حکومت اسلامی

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۷      تأیید: ۱۴۰۰/۲/۴      نصرالله جعفری خسروآبادی\*  
و حمید روستایی صدرآبادی\*\* و محمود رایگان\*\*\*

### چکیده

انسان‌ها برای ادامه حیات و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه ناچار به تعاون با یکدیگر هستند. خداوند متعال در آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (مائده (۵): ۲)؛ در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید، قضیه تعاون در جامعه را از جنبه مثبت و انجام اعمال مفید با واژه «بر» و از جنبه منفی و پرهیز از اعمال خلاف، با واژه «تقوا» بیان کرده است. حکومت اسلامی به عنوان مصداق بارز «بر» و قانون‌مداری، دموکراسی، مشارکت مردمی و... از مصادیق تقوا محسوب می‌شود که تعاون بر آن‌ها واجب و لازم است. بنابراین، آیه فوق با عنوان قاعده «تعاون بر نیکی و تقوا» قابل طرح است که در تمام لایه‌های جامعه اسلامی کاربرد وسیعی دارد. به همین منظور، فقهای عظام در ابواب عاریه، هبه، امر به معروف، ولایت عدول مؤمنین، لقطه و... از این قاعده بهره جستند.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بیان قاعده تعاون و جایگاه آن در حاکمیت و حکومت اسلامی پرداخته و دریافته است که این قاعده شامل مسائل مختلف جامعه و نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی؛ از تشکیل حکومت تا حفظ، بقا و اداره آن و هم‌چنین حفظ نظم و قانون‌مداری می‌شود.

### واژگان کلیدی

قاعده تعاون، تعاون بر بر، تعاون بر تقوا، فقه حکومتی، حاکمیت، حکومت اسلامی

\* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه میبد: nasrjafari@meybod.ac.ir

\*\* عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه میبد: rostaei@meybod.ac.ir

\*\*\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه میبد:

mahmoodrayegan@yahoo.com



## مقدمه

انسان از بدو خلقت به صورت زوج بر روی کره خاکی قدم نهاده و با تشکیل خانواده و تکثیر نسل، به اجتماع و جامعه تبدیل شده است. پس از آن، در صدد ایجاد جامعه‌ای به دور از هرج و مرج و رعایت بایدها و نبایدها بوده است. بعدها این نوع اجتماع تحت ریاست و مدیریت عقلای عادل به عنوان حکومت دینی و یا زورمندان ستم‌گر به عنوان حکومت طاغوتی قرار گرفته و در ادامه با نظریه دموکراسی، حکومت‌هایی تشکیل شد که تا کنون نیز ادامه دارد. ایده تشکیل حکومت دینی برگرفته از کتاب آسمانی و دستورات الزام‌آور شارع مقدس است که نه تنها در اسلام، بلکه پیش از آن نیز توسط انبیای الهی هم‌چون داوود و سلیمان  $\text{ع}$  تحقق یافته است. تواناترین و صالح‌ترین حکومت در پاسخ به خواسته‌های فطری انسان و برای پیگیری و رفع نیازهای بشر، همان حکومت دینی است که با بهره‌گیری از منابع دینی و پرهیز از روش آزمون و خطا، بیش از هر نوع حکومت دیگری می‌تواند پاسخ‌گوی احتیاجات بشری باشد. در این میان، عنصر اساسی در همه حکومت‌ها - حتی در غیر انسانی‌ترین نوع - تعاون و هم‌یاری است که باید بین همه آحاد جامعه جریان داشته باشد. بنابراین، تشکیل حکومت، یکی از محورهای اساسی جریان قاعده تعاون محسوب می‌شود که با نگاه قرآنی و اسلامی، اگر با «برّ و تقوا» همراه باشد، حکومتی اسلامی خواهد بود که متعالی‌ترین نوع در همه نظامات است. قرآن در آیه ۲ سوره مائده به دو اصل و ملاک مهم در باره تعاون دستور داده است:

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۵)؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی هم‌کاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!

آیه فوق، اصل تعاون و هم‌کاری مؤمنان را با یک‌دیگر لازم نموده که در برخی موارد از مصادیق واجب یا مستحب شرعی و در برخی دیگر لازم عقلی است که در نظامات چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کاربرد دارد. به همین منظور،

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۴۳ و ۴۴ به آن اشاره کرده است و قانون‌گذار نیز با الهام از این اصول، قانون بخش تعاون را تدوین نموده است که پس از آن، شرکت‌های تعاونی و نهادهای مشارکتی با هدف ترویج و تحکیم مشارکت، هم‌کاری و تعاون عمومی تشکیل و ساماندهی گردید. به این ترتیب، قاعده تعاون یکی از مهم‌ترین قواعد در تشکیل و بقای حکومت اسلامی و لازمه مردمی‌بودن آن است. نوشتار حاضر با هدف تبیین قاعده فقهی - حقوقی تعاون و شناسایی ظرفیت‌های لازم در فقه حکومتی به منظور اداره جامعه نگارش یافته است و به دنبال بررسی مسأله کاربرد و حد و حدود وسیع تعاون در تمام لایه‌های حکومت است. در واقع وجوب تعاون در امور نیک و تقوا و ترک تعاون در امور اثم و عدوان، در سه محور تبیین می‌گردد: ۱. وجوب تشکیل حکومت به عنوان مصداق بارز برّ و خواستگاه تعاون. ۲. وجوب تعاون همه مسئولین و اداره‌کنندگان حکومت؛ اعم از دولت و سایر قوا و نهادها و ۳. وجوب تعاون مردم و هم‌کاری در پیشبرد اهداف حکومت و توسعه آن.

### معناشناسی و گستره تعاون

تعاون از ماده «ع و ن» است که در اصل معنای آن نصر و یاری مطرح است و ثلاثی مجرد ماده «ع و ن» لازم - به معنای متصف‌بودن به نصر - به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۲۶۸). تعاون به معنای مشارکتی (کمک‌کردن هم‌زمان شخص یا گروه به شخص یا گروه دیگر) می‌باشد (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۹). باب تفاعل معمولاً معنای بین‌اثینی دارد. لذا با وجود یک طرف، تعاون و هم‌کاری شکل نمی‌گیرد. بلکه روح و ماهیت تعاون به همان دوسویه یا چند سویه‌بودن آن است که سبب ایجاد تعاون در قضایا می‌شود. قاعده تعاون که مستحصل از آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» (مائده (۵): ۲)؛ همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید است، به خوبی می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای اجتماعی و فردی در نظام اسلامی باشد.

نگاه به این قاعده تنها برای حاکمیت داخلی و محصور در محدوده جغرافیایی خاصی خلاصه نمی‌شود. بلکه ظرفیت مدل‌شدن و توان توسعه در سطح بین‌المللی و

سایر نظام‌ها و حکومت‌ها را دارا است که با برقراری ارتباط صحیح - با در نظر گرفتن قاعده نفی سبیل - می‌توان به این مهم رسید. به گونه‌ای که تمامی کشورهای اسلامی یا همه دولت‌ها می‌توانند از این ظرفیت بهره‌برداری نمایند. امروزه بشر در یک اجتماع بزرگ جهانی ناگزیر از تعاون و همکاری است. حکومت اسلامی نیز به عنوان یکی از مصادیق برّ، بر اساس قاعده «تعاون بر نیکی و تقوا»، مبنایی قوی بر مشروعیت تشکیل خواهد داشت که می‌توان با تسری آن، قاعده را در تمامی سطوح جامعه و نظامات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و مسائل مختلفی هم‌چون نهادهای حقوقی، مؤسسه‌ها، شرکت‌های تجاری، مدنی، بیمه‌ای و تعاونی‌ها، خیریه‌ها، اصناف، انتخابات، شوراهای هیأت‌ها، امور حسبی و... که می‌توانند مصداق نیکی و تقوا باشند، جاری دانست. بنابراین، قاعده تعاون می‌تواند راه حلی برای رفع نیازهای اجتماعی بشر باشد و در مقام قانون‌گذاری و استنباط استفاده گردد.

از جهت دیگر، همراهی خداوند و پیروی از دستورات آن ذات لایزال، به نوعی تعاون محسوب می‌شود که در آیاتی از قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است (آل عمران(۳): ۵۲). هم‌چنین پیروی از دستورات پیامبر ۹ و امام معصوم 7 در حکومت اسلامی و همراهی با وی در تصمیمات گوناگون، مصداق واضحی برای تعاون از ناحیه مردم محسوب می‌شود. چنان‌که امیر مؤمنان 7 در موارد گوناگون، اقدام به یاری‌خواهی کرده است: «ایهاالنّاس أَعینونی علی أنفسکم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶) و البته این یاورطلبی، محدود به مسائل جهاد و جنگ و مسائل مادی نمی‌شود، بلکه به صورت عام است. «ألا و إنّکم لا تقدرون علی ذلک و لکن أَعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد» (همان، نامه ۴۵). این تعاون و همکاری از جانب مردم برای اطاعت از خدا و انبیا و اولیای الهی منجر به تشکیل حکومت اسلامی و در واقع اصل تأسیس حکومت اسلامی می‌شود. چرا که اجتماع بر اطاعت رسول خدا ۹، نوعی تعاون است که بر اساس آن می‌توان حکومت اسلامی و دولتی بر پایه قرآن تشکیل داد. در غیر این صورت، امکان تشکیل و برپایی آن وجود نخواهد داشت. حتی اگر تعاون مردم در تشکیل حکومت غیر دینی و طاغوت باشد، از مصادیق تعاون بر اثم

و عدوان است که خداوند متعال از آن نهی کرده است. در نتیجه حضور و همدلی همگان برای تشکیل حکومت نیاز است و افرادی که حول محور توحید و نبوت در این راستا قدم بر می‌دارند، در حال تعاون و هم‌یاری خداوند، رسول خدا ﷺ و مؤمنین هستند. بنابراین، اگرچه محوریت حکومت اسلامی در گرو ایمان به خدا و پیروی از دستورات پروردگار عالم است، اما شاکله حکومت اسلامی مردمی‌بودن و تعاون از سوی ایشان می‌باشد. در واقع جمهوری اسلامی ترجمه تعاون اسلامی است. به این معنا که تصمیمات جامعه در سایه احکام اسلامی در ایجاد، اداره و بقای حکومت تعیین‌کننده است. این مسأله در مواردی در صدر اسلام قابل بررسی است. مشاوره و تصمیم‌گیری‌هایی که زاینده تعاون بوده است تا ساخت ابنیه هم‌چون مسجدالنبی، پیروزی در جنگ‌های متعدد و... که همگی مصادیقی از تعاون بر نیکی و تقوا در حکومت اسلامی به شمار می‌آید. بنابراین، اصل برپایی حکومت اسلامی و البته متعلقات آن، همگی مصادیق بارزی از تعاون و هم‌یاری است که در طول تاریخ، هدفی مهم برای ارسال رسل و انزال کتب بوده است.

### تعاون و اهتمام به امور مسلمین

«من لم یهتمّ بأمر المسلمین فلیس بمسلم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۳). سند این روایت و روایات مشابه دیگر، در بین شیعه و عامه پذیرفته شده و معتبر است. کلینی در کتاب الکافی بابی با عنوان: «باب الاهتمام بأمر المسلمین و النصیحة لهم و نفعهم» نوشته است و حدود یازده روایت در این باب نقل فرموده است که به نظر می‌رسد در جامعه اسلامی یک اصل دقیق و دارای اهمیت است.

همت‌گماردن به امور مسلمین که در رأس آن حاکمیت قرار دارد، نوعی تعاون و تلاش برای حل مشکلات آنها است. این تلاش و تعاون امری ضروری است که نباید امور مسلمین بدون پاسخ و رها باقی بماند. سیاق روایات اهتمام، به گونه‌ای است که با جمله خبری دستور داده است. در واقع دلالت و اهمیت آن از لفظ امر هم بالاتر و محکم‌تر است. زیرا وجوب آن به قدری مورد تأکید است که گویا انجام‌ندادن آن سبب

خروج شخص از دایره اسلام می‌شود؛ هر چند که این خروج، حکمی است (اعرافی، ۱۳۸۷/۸/۲۲). پس فردی که اهتمام به امور مسلمین را ترک کند - اعم از حقیقی و حقوقی - امر واجبی را ترک کرده است. مسلماً تعاون بر نیکی و تقوا در جامعه اسلامی، اهتمام ورزیدن به امور مسلمین است که ترک آن موجب عقاب خواهد شد و این لزوم تعاون بر نیکی و تقوا است.

علاوه بر این، حضرت امیر مؤمنان علی 7 در باره تعاون فرموده است:

«فهلّم أيّها النّاس إلى التّعاون على طاعة الله عزّ و جل و التّقيام بعدله و الوفاء بعهده و الإنصاف له في جميع حقّه فإنّه ليس العباد إلى شيء أحوج منهم إلى التّناصح في ذلك و حسن التّعاون عليه و ليس أحد و إن اشتدّ على رضا الله حرصه و طال في العمل اجتهاده ببالغ حقيقة ما أعطى الله من الحقّ أهله و لكن من واجب حقوق الله عزّ و جلّ على العباد النّصيحة له بمبلغ جهدهم و التّعاون على إقامة الحقّ فيهم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۵۴)؛ پس ای مردم بشتابید و گردآید بر هم‌کاری در فرمان‌بردن از خدای عز و جل و قیام به عدل و وفاداری به عهد او و انصاف در باره همه حقوق او؛ زیرا بنده‌های خدا به چیزی نیازمندتر نیستند از این‌که در این باره خیرخواه یک‌دیگر باشند و با هم به خوبی هم‌کاری کنند. هیچ کس نیست که هر چه هم در تحصیل رضای خدا حریص و در کردار و عمل خیر زیاد کوشش کند، بتواند به حقیقت آن چه خدا از حق به اهلش عطا کرده برسد و آن را چنان‌چه شاید ادا کند (یعنی حق پیغمبر و خاندانش را)، ولی از حق واجب و لازم خدای عز و جل بر بنده‌هایش خیرخواهی او است، به اندازه توان خودشان و هم‌کاری و کمک بر اقامه حق در میان آنان.

### تعاون و اصل حفظ نظام اسلامی

یکی از مبانی مهم در فقه، حفظ نظام است که بر پایه آن بسیاری از احکام فقهی تشریح می‌شود. با توجه به آیه دوم سوره مائده، حفظ جامعه اسلامی و احترام شعائر از

خطوط قرمز است و همگان موظف به پاسداشت آن هستند. در این جامعه، مسلمانان وظیفه یاری و تعاون دارند و آنها باید نسبت به نیکی و پارسایی، هم‌دیگر را تعاون نمایند. تعاون در واقع بعد از الزام مؤمنین به تشکیل حکومت اسلامی، از فروپاشی و هرج و مرج در نظام اسلامی جلوگیری می‌کند و سبب انسجام و پیشرفت جامعه می‌گردد. چگونگی و کیفیت تعاون در تشکیل حکومت، حفظ و بقای آن، هم‌چنین تأثیر آن، در سه محور قابل بیان است: اول، ارتباط تعاون با حفظ نظام و حکومت اسلامی است. دوم، جایگاه تعاون در حفظ نظم جامعه و قانون‌مداری است. در این دو محور، بحث از مسائل مستحدثه و اموری که برای حفظ و اداره حکومت و جامعه لازم است، شکل می‌گیرد و سوم، جایگاه تعاون در باره تعارض اهم و مهم است که باید در هنگام اجرای قوانین و دستورات، مصلحت اهم ترجیح داده شود.

#### الف) تعاون، حفظ نظام و حکومت

اسلام به حفظ نظام مادی و معنوی و اجرای احکام بر مجاری خود و از راه طبیعی، اهتمام ویژه‌ای دارد. حفظ نظام مسلمین از واجباتی است که به ناچار باید آن را رعایت نمود (گلبایگانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۷۶) و امور قطعی الوجوب و البته بسیار مهم بر پایه حفظ نظام به وجوب متصف شده است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴). به عنوان مثال، وجوب کفایی منصب قضا برای علما از باب حفظ نظام ثابت شده است تا در نتیجه مسلمین به سبب تنازع و ترافع در اموال و شبه آن؛ از ازدواج، طلاق، ارث و... موجبات اختلال در نظم اجتماعی را رقم نزنند (همان، ج ۲، ص ۸۸). از این رو، حفظ نظام از واجبات مؤکد بوده و اختلال در امور مسلمین نیز از امور مبغوض است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹). هرچند ادله دیگر در اثبات قواعد فقهی مؤثرند، اما برخی قواعد فقهی بر اساس اصل حفظ نظام شکل گرفته‌اند که می‌توان به قاعده ید اشاره کرد (آملی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۲۴۷). قاعده تعاون نیز از آن جهت که برای پیش‌برد اصل اسلام و جریان احکام اجتماعی آن، نیازمند هم‌کاری تمامی اقشار و آحاد جامعه مسلمین است، لذا اعتبار و عمل به آن به دلیل حفظ نظام، ضروری خواهد بود. با در نظر گرفتن



برخی از موضوعات غیر قابل جایگزین هم چون اداره امور مسلمین به دست حکام عادل و مسلمان و به کارگیری احکام اسلامی برای پیش برد آن، می توان به این نتیجه رسید که مدیریت جامعه اسلامی نه تنها با در نظر گرفتن و عمل به این احکام تحقق می یابد، بلکه تنها راه موجود برای تشکیل و اداره حکومت اسلامی و بقای آن است. به این معنا که بدون تشکیل حکومت اسلامی و تنها اکتفا به رعایت احکام فردی، بعد از مدتی جز نامی از اسلام باقی نخواهد ماند و این مسأله تنها با رعایت اصل حکومت داری اسلامی منتفی خواهد شد.

تشکیل حکومت یکی از ضروریات عقلی برای پیش برد امور انسانی است که بدون وجود آن بی نظمی و آشوب، زندگی انسان را درگیر خواهد کرد. با توجه به این مطلب که اسلام یک دین اجتماعی و به شدت مخالف با رهبانیت، فردگرایی و فرار از مسؤلیت است، در همان آغاز تشریح، با فرامین حکومتی و انزال آیات فراوانی در این خصوص، در صدد عملی کردن آن توسط رسول گرامی اسلام ﷺ بوده است. مدینه منوره نخستین شهر مسلمانان با قوانین اسلامی و حکومت محمدی است که بر پایه احکام اسلامی؛ از احکام قضایی تا بهداشتی و اخلاقی بنا نهاده شد؛ تا جایی که از شهرها و روستاها و عشایر بیابان نشین با رغبت تمام، رو به سوی آن نهاده و در آن جای گرفتند که این حاکی از تعاون بر نیکی و تقوا، مطابق با فطرت پاک انسانی است. بنابراین، تشکیل حکومت اسلامی به عنوان برترین و مهم ترین مصداق نیکی و تقوا، مشمول قاعده تعاون است.

تعاون از نوع برّ، نوعی الزام افراد آن جامعه برای حفظ و حراست و ارتقای کیفیت آن است که از نظر عقلای جامعه، امری لازم و غیر قابل چشم پوشی است. چرا که توانایی اداره جامعه اسلامی، نه تنها بر دوش یک نفر ممکن نیست، بلکه هم کاری ضعیف آحاد جامعه نیز از کیفیت آن زدوده و سبب از بین رفتن آن خواهد شد. تعاون در تشکیل و بقای جامعه اسلامی به معنای هم کاری و تعاون در همه برنامه های لازم جمعی است که در قالب نظام فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مسائلی هم چون انتخابات، امر به معروف، جهاد، شرکت ها، نهاد خانواده و... ظهور پیدا می کند. ارتباط تنگاتنگ

قوای مختلف؛ از قضایی تا اجرایی و مقننه و هم‌چنین اجرای نقش مفید مردم آن جامعه در امور مختلف، امری مسلم و غیر قابل انکار است؛ تا جایی که روی‌گردانی از ایفای نقش، سبب فروپاشی، ضعف و یا حاکمیت کفار بر آن جامعه خواهد شد. به همین سبب، رسول اکرم ﷺ فرموده است: «وَأَسْبِغْ عَلَيْهِمْ فِي التَّعَاوُنِ وَ أَفْضَلُ عَلَيْهِمْ فِي الْبَدْلِ مَا يَسْعَهُمْ وَ يَسَعُ مِنْ وِرَاءِهِمْ مِنْ أَهْلِيهِمْ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۵۸)؛ و به حد کمال، به آن‌ها (لشگریان خود) کمک کن و به حد شایسته‌ای، آنچه که ظرفیت خودشان و خانواده‌های‌شان است، به آن‌ها بده. در این روایت، پیامبر اسلام ﷺ به کارگزاران خود در باره نحوه برخورد و رفتار با لشگریان خود، با واژه «سبغ» دستور به تعاون داده است. سبغ در کاری، به معنای اتمام آن و مبالغه در آن است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۹۶۰). با توجه به وجود امر (أَسْبِغْ) که بر تعاون واقع شده است، به نظر می‌رسد آن حضرت برای حکمرانان و کارگزاران خود، تعاون را امری الزامی دانسته و با تأکید ابراز فرموده است. به طور حتم، منظور از تعاون در این روایت، تعاون بر نیکی و تقوا است. این امر یا ارشادی و یا تکلیفی است که در هر صورت بر والی لازم خواهد بود و با توجه به مقام آمر، تساهل در چنین امری جایز نیست. زیرا آمر؛ هم معصوم و هم حاکم و ولی است. پس علاوه بر ولایی‌بودن، امری حکومتی نیز هست که لازم بوده و نمی‌توان از آن استنکاف کرد.

### ب) تعاون در حفظ نظم جامعه و قانون‌مداری

هر حکومتی برای اداره و استحکام خود نیازمند بایدها و نبایدها است. این بایدها و نبایدها در قالب تعاون بر برّ و تعاون بر اثم تحقق می‌یابد. از مهم‌ترین مسائل در زندگی اجتماعی انسان، هم‌کاری و تعاون بر پیش‌برد اهداف اجتماعی و برقراری نظم و انضباط در جامعه است که فراتر از بایدها و نبایدهای زندگی فردی هر شخص است. به عنوان مثال، احکام جرائم و حدود اسلامی با نگاه به زندگی اجتماعی افراد، تشریح و اجرا شده است. به این معنا که اسلام هیچ فردی را به جرم شرب خمر در داخل خانه خود و بدون این‌که کسی اطلاع یابد، مورد اجرای حدّ قرار نمی‌دهد و هم‌چنین است

فردی که در نهان اقدام به روزه‌خواری می‌نماید. برای اجرای حد و تعزیر این‌گونه جرائم، جنبه عمومی آن و این‌که در منظر مردم باشد، مسلماً برهم‌زننده نظم و انضباط اجتماعی است که فرد خاطی باید محاکمه شود. حتی مجازات سنگین‌تری برای جرائمی که جنبه عمومی دارند و مخل نظم جامعه هستند، در نظر گرفته است. جنبه عمومی رفتار و قوانین که مطرح می‌شود، می‌توان ادعا کرد که اجرای آن‌ها تنها با تعاون و همکاری ممکن است و انجام آن توسط عده‌ای دون عده دیگر و یا مباشرت شخص ذی‌حق و شاکی، سبب ناهنجاری و به‌هم‌ریختگی جامعه خواهد شد. به همین دلیل، در تمامی جوامع و حکومت‌ها، سالانه بودجه‌های فراوانی برای مدیریت و ریشه‌کن کردن جرائم و مجرمین به تصویب و اجرا می‌رسد.

با نگاهی به احکام اجتماعی و قوانین عمومی اسلام هم‌چون امر به معروف، جهاد، خمس، زکات، حج، قضا و... به خوبی می‌توان فهمید که اسلام در مسأله تعاون، بدون در نظر گرفتن هر گونه تساهل و تسامحی، مسلمانان را ملزم به رعایت آن کرده است و نه تنها تعاون بر برّ و تقوا را سفارش نموده، بلکه از تعاون بر اثم و عدوان نیز نهی کرده است. بنابراین، نقش تعاون در حفظ نظم و قانون‌مداری از مهم‌ترین قواعد فقهی خواهد بود که هم‌چون نخ تسبیح و به عنوان یک اصل در همه امور و لایه‌های حکومت و جامعه وجود دارد و بدون آن آمیدی به بقای حکومت نخواهد بود.

ضمانت اجرای قوانین الهی و پرهیز از هرج و مرج، ظلم و تعدی به دیگران تنها در قالب حکومت محمدی متصور بود که ضرورت و موفقیت این امر در همان مراحل آغازین حکومت اسلامی بر همگان آشکار شد. همین ضرورت سبب می‌شود تا بقای حکومت اسلامی در نگاه هر مسلمانی امری مسجّل باشد. امام رضا 7 در تبیین فلسفه ایجاد حکومت و لزوم رهبری بر امت اسلامی و ضرورت آن چنین پرده بر می‌دارد:

خداوند مردم را خلق کرد و احکامی هم برای آن‌ها قرار داده و مأمور کرده است در این حدودی که معین کردم، عمل کنید و از آن تجاوز نکنید. چه ضمانتی دارد که مردم عمل کنند و تجاوز نکنند، مگر این‌که خداوند بر مردم قیّم و امینی قرار دهد که این‌ها را بازخواست کند و احکام الهی همان‌طور

که خداوند خواسته از واجبات و محرمات، اجرا شود. اگر این امر، ضمانت اجرایی نداشته باشد، ممکن است هر کسی برای رسیدن به منفعت و لذت خویش، امور دیگران را فاسد کند و به دیگران ضرر بزند. پس باید قیمی باشد که حدود را اجرا کند و مانع فساد در بین مردم شود و هیچ ملت و مذهبی بدون قیم و رئیس و سرپرست نمی‌تواند ادامه حیات دهد و دین و دنیای خودش را حفظ کند. پس بر خداوند حکیم لازم است در این امر مهم، مردم را رها نکند و رئیسی تعیین کند که با دشمنان مردم بجنگد و درآمدها را بین مردم تقسیم کند و نماز جمعه و جماعات را اقامه کند و در برابر ظلم از مظلوم دفاع کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۰۱).

همان‌گونه که ایجاد یک حکومت نیازمند رهبری قوی و قوانینی دقیق برای دفاع از عدالت و حق است، به همان نسبت نیز نیازمند آحاد مردمی است که در آن اجتماع به زندگی کردن در پناه آن حکومت مشغول‌اند. زیرا اگر افراد حاضر در جامعه اسلامی اقدام به مخالفت با رهبر خویش کنند؛ به شکلی که هیچ شنونده و عمل‌کننده‌ای برای دستورات آن رهبر در این جامعه یافت نشود، نام حکومت اسلامی بر آن نادرست است. لذا تعاون و همکاری همه‌جانبه برای بقای این نوع از حکومت، قطعاً لازم و واجب است.

### ج) تعاون نماد دموکراسی

دموکراسی، مشارکت و تعاون مردم در تعیین سرنوشت است و هر چه میزان این مشارکت بالاتر باشد، دموکراسی در آن حکومت از قدرت و اعتبار بیش‌تری برخوردار است. برای تمامی افرادی که از بلوغ عقلی و اجتماعی در یک کشور برخوردار هستند، امکان مشارکت در تعیین سرنوشت وجود دارد. معمولاً تشکیل و بقای حکومت‌های مردمی بر اساس مشارکت آنان در انتخابات به صورت مستقیم یا غیر مستقیم انجام می‌گیرد. در حکومت اسلامی این نوع انتخاب از مصادیق بارز برّ و تقوا است که همکاری همگان در آن لازم و واجب خواهد بود. تعاون مردم بر نیکی و تقوا صرفاً با

حضور در انتخابات و برگزیدن افراد شایسته خلاصه نمی‌شود، بلکه حمایت مستمر از حکومت و لایه‌های مختلف آن در شکل‌های مختلف هم‌چون راهپیمایی، رژه، یادبود، بسیج مردمی، همدلی اقتصادی، انفاق جان و مال و... برای حیات حکومت اسلامی لازم است و زمینه قدرت و نفوذ بیش‌تر حکومت را فراهم می‌آورد. همان‌گونه که در ایام حج، اجتماع پرشور حجاج از هر نژاد و رنگ و زبان، به معنای اتحاد و اجتماع عظیمی از مسلمانان است که در مقابل دشمن، قوی و سرسخت هستند.

قاعده تعاون بر نیکی و تقوا به عنوان یک قاعده فقهی مهم، اختصاص به شخص خاصی ندارد و برای همه مردم لازم و دارای اعتبار است. از این‌رو، در تمامی لایه‌های حکومت، هر جا که مصادیق برّ و تقوا محقق شود، به استناد آیه تعاون، تعاون بر آن واجب خواهد بود و از سوی دیگر، اگر اصل حکومت در معرض خطر قرار گیرد یا مصادیق اثم و عدوان در آن محقق شود، ترک تعاون واجب و لازم خواهد بود. بدون این‌که قانون خاصی در این زمینه وضع شده باشد و یا منتظر رویداد خاصی باشند. هم‌چنین همراهی حکومت و دولت لازم خواهد بود. به نظر می‌رسد امر به تعاون بر نیکی و نهی از تعاون بر اثم، از امور تجریدی باشد. در نتیجه چنان‌چه کسانی در سطح حکومت یا دولت و یا مردم باشند که نسبت به حاکمیت اسلامی جایگاه تخریبی و خلاف برّ و تقوا داشته باشند، مردم بدون مجوز خاص و با استناد به قاعده تعاون، به شرط حفظ نظام می‌توانند علیه او اقدام کنند.

#### د) تعاون در تعارض اهم و مهم

هر فردی در درون جامعه موظف به حفظ نظام و رعایت قانون است و قطعاً ادله ایجاد حکومت اسلامی و لزوم آن، دلیلی بر بقای آن نیز به حساب می‌آید. صرف تشریح احکام، برای اداره جامعه و رساندن انسان به کمال کافی نیست، بلکه باید از جانب پروردگار حکیم، حکومتی با قوانین الهی توسط مؤمنین ایجاد شود. به این معنا که تا قوه قهریه‌ای برای الزام شهروندان به رعایت قوانین وجود نداشته باشد، صرف وجود قوانین، قدرت ایجاد نظم و پیش‌برد امور را نخواهد داشت. در پاره‌ای موارد

منافع و مصالح افراد و جامعه در سطح ملی و بین المللی با یکدیگر دچار تعارض و تراحم می‌شوند، در این صورت نیازمند قاعده و قانونی است که تعارض آن‌ها را بر طرف کند. با توجه به لزوم و وجوب تعاون و جایگاهی که در بین قواعد دارد، مسلماً این قاعده در اولویت قرار خواهد گرفت و حاکم بر سایر قواعد است. به عنوان نمونه برخی از فقهای معاصر، شرکت در انتخابات را واجب از نوع عینی دانسته‌اند و حتی شرکت زن، بدون اذن شوهر در انتخابات را با توجه به این‌که خروج زوجه دائم از منزل، بدون اذن شوهر حرام است، مستثنا کرده‌اند (لنکرانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۱ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۱۲۴). هم‌چنین در مواردی که تعارضی وجود دارد، قاعده تعاون بر ادله‌ای که بیان‌گر احکام واقعی‌اند، حکومت خواهد داشت.

### قاعده تعاون و حکومت طاغوت

ولایت‌داشتن بر دیگران، مشروط به داشتن ایمان است و ولایت غیر مؤمنین بر مؤمنین امری غیر مشروع و پذیرش آن جایز نیست. اما صدق تعاون بر نیکی و تقوا، مشروط به ایمان نیست. به این معنا که ایمان در شخص معین و معان شرط تعاون نیست. لذا در صورتی که فرد غیر مسلمان یا غیر مؤمن، اقدام به ارائه خدمات و تعاون برای مؤمنین نماید، قابل قبول است و این از جهت فردی و بین مردم است. اما در سطح حکومت قدری متفاوت به نظر می‌رسد. زیرا در حاکمیت اسلامی، مفهوم ولایت نهفته است و حاکمان دینی باید دارای ایمان باشند تا بتوانند بر مؤمنین حکومت کنند و تعاون بر نیکی و تقوا داشته باشند.

قرآن کریم مراجعه به طاغوت برای بررسی چنین مسائلی را موجب گمراهی دانسته و با نام‌گذاری آن به طاغوت، دستور داده است که به آن کافر شوند (نساء(۴): ۶۰). بنابراین، تعاون بر نیکی و تقوا از جانب حکومت باید به دور از طاغوت باشد. زیرا طاغوت با نیکی و تقوا سازگاری ندارد و نمی‌توان برای رسیدن به هدف، وسیله را توجیه کرد. شاید به همین منظور باشد که انعقاد قراردادهای مالی و دریافت اجرت و اجاره بها و... با حاکمان جور، نفی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۸۲).

## تعاون و نظام اقتصادی حکومت اسلامی

نظام اقتصادی در اسلام طبق آموزه‌های قرآن و متون فقهی، بر پایه عدالت اجتماعی تشریح و امضا شده است که نتیجه آن اداره حکومت، توزیع عادلانه ثروت، رفاه، امنیت و... است. این نظام، بر اصل هم‌کاری و تعاون استوار است. شاید وجود بسیاری از عقود هم‌چون شرکت، مضاربه، جعاله، مساقات، مزارعه و... برگرفته از همین اصل باشد. در این نوع عقود که به صورت اشتراکی و بین‌اثیننی محقق می‌شود، مفهوم اعتباری تعاونیت نهفته است. امروزه نظریه تولید و توزیع ثروت و گردش سرمایه‌ها به واسطه تعاون و هم‌کاری ارادی انسان‌ها، امری مهم و راهبردی برای همه جوامع به شمار می‌رود. دنیای سرمایه‌داری و توسعه‌یافته توجه ویژه‌ای به سیستم تعاونی دارند و برنامه‌های متنوعی برای ارتقای و فرهنگ‌سازی آن دنبال می‌کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۴۳ و ۴۴ به این مهم اشاره کرده و کلیات آن را تقنین و سپس قانونی به نام «قانون بخش تعاونی اقتصاد» نیز توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است.

بدون شک افراد جامعه یک‌سان نیستند و از جهت علم، مهارت، ثروت، امکانات و رفاه، در سطوح مختلفی قرار می‌گیرند و به همان میزان در توسعه اقتصادی نیز مشارکت خواهند داشت. آنچه که می‌تواند مانع توزیع نا عادلانه این مواهب و شکاف‌های موجود در بین افراد شود، اصل تعاون است. حاکمیت اسلامی با آموزش و ارائه برنامه‌های مناسب در جهت فرهنگ‌سازی تعاون نقش اساسی دارد. حاکمیت می‌تواند با برنامه‌ریزی و ساماندهی در بین توده‌های مردم، سرمایه، اعمال و افکار آن‌ها را هدایت کند و با واسپاری مسئولیت و توزیع عادلانه مواهب اجتماعی و فردی، از طریق تعاون، شرایط رفاه نسبی و توسعه اقتصادی را فراهم سازد. در این فرآیند، افراد بی‌کار، کم درآمد، بی‌سواد و بدون تخصص و مهارت، به افرادی شاغل، ماهر، نیروی کار قوی و با تجربه تبدیل می‌شوند و در نهایت، جامعه به سوی عدالت و توسعه اقتصادی حرکت می‌کند. اقتصاد بدون تعاونی، اقتصادی بسته، خصوصی و دارای اختلاف طبقاتی است که درصد معدودی از افراد در رفاه هستند و بقیه در فقر به سر

خواهند برد. بنابراین، نظام اقتصادی مبتنی بر تعاون در حاکمیت اسلامی ابزاری قوی و کارآمد در فرآیند حمایت و مشارکت مردم و توسعه و توزیع عادلانه امکانات و خدمات تلقی می‌شود. دولت همان‌طور که نسبت به خصوصی‌سازی بخش‌هایی از نظام اقتصادی فضا را مهیا می‌کند، باید نسبت به ایجاد و گسترش نظام اقتصادی مبتنی بر تعاون نیز سیاست‌ها و برنامه‌های بیش‌تری تدوین نماید و خودش در این فرآیند نقش نظارتی و کنترلی داشته باشد.

به عنوان مثال، تعاون در نظام اقتصادی یک حکومت که هم مردم و هم دولت در آن سهیم باشند، از مقوله مالیات، کشاورزی و تولید تشکیل می‌شود. از یک سو، گرفتن بخشی از درآمدها و سودهای جامعه تحت عنوان مالیات که برای تأمین هزینه‌های اداره کشور، توسط دولت اخذ می‌شود، امری مهم و از مصادیق نیکی است که تعاون بر آن واجب خواهد بود. در این صورت، هم‌کاری مردم با دولت باعث ادامه حیات حکومت، تأمین امنیت، توسعه، رفاه و ... خواهد شد. از سوی دیگر، دولت برای این‌که مردم اشتغال و درآمد داشته باشند تا بتواند از آن‌ها مالیات اخذ کند، باید نسبت به گسترش بخش کشاورزی و تولید اقدام نماید. یعنی در واقع بخش کشاورزی و تأمین ما یحتاج مردم از امور نیک و تقوا است که تعاون در آن واجب و لازم خواهد بود. با توجه به اهمیت ویژه کشاورزی و سهم آن در تولید، اشتغال، تأمین مواد اولیه و نیازهای روزمره مردم، دولت باید برنامه ویژه‌ای نسبت به آن داشته باشد و فرآیند تولید تا توزیع را کنترل و حمایت کند. چنان‌چه هر کدام از دولت و مردم وظیفه خود را انجام ندهند، باعث ناتوانی اداره حکومت خواهد شد و حاصل آن وابستگی، ورشکستگی، کسری بودجه، بی‌کاری، فقر، نا امنی، استعمار و ... خواهد بود.

با توجه به کاربرد گسترده تعاون در نظام اقتصادی، این مقوله نیازمند وضع قوانین دقیق و حمایت گسترده حکومت است. اشکال مختلف اقتصاد؛ اعم از دولتی، خصوصی یا ترکیبی بر مبنای تعاون است. اقتصاد دولتی از آن جهت که توسط دولت اداره می‌شود، اگرچه دارای ضعف‌هایی از جمله تبلی و کسلی است، اما قطعاً با توجه



به پشتوانه دولتی به سختی امکان ورشکستگی دارد. در اقتصاد خصوصی، اگرچه ادعای استقلال وجود دارد، اما قطعاً این نوع اقتصاد بدون حمایت‌های دولت و حاکمیت، توانایی تجارت و کسب موفقیت را نخواهد داشت. چرا که از یک سو حمایت حاکمیت از صادرکننده یا واردکننده و وضع و تسهیل قوانین در این حوزه، ضامن حیات این بخش در هر کشور است. از سوی دیگر، در برابر حمایت حاکمیت، بخش خصوصی موظف به تمکین و حمایت از حاکمیت و دستورات او است. نتیجه این‌گونه تعامل، اقتصاد تعاونی است که در واقع تلفیقی از دو اقتصاد دولتی و خصوصی با مشارکت مردم و حاکمیت در نظام اقتصادی است.

بنابراین، قوانین نظام اقتصادی و ضمانت اجرایی آن در کشور باید مبتنی بر قاعده تعاون باشد و این مسأله گویای کاربرد و اهمیت این قاعده در حاکمیت اسلامی است. در نتیجه قاعده تعاون صرفاً در امور اخلاقی و جزئی خلاصه نمی‌شود، بلکه در مکتب اقتصادی اسلام، بسیار مهم و کارگشا است و به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان بقای حکومت، نقش اساسی داشته و توجه به آن، گره‌گشای مشکلات و ضامن توسعه حاکمیت است.

### نتیجه‌گیری

نتیجه مباحثی که بررسی شد، این است که رابطه میان مردم و حکومت از مصادیق تعاون بر نیکی و تقوا است و تأسیس، اداره و بقای حکومت وابسته به تعاون میان همه آحاد جامعه است. بنابراین، نتایج عبارتند از:

۱. قاعده تعاون نماد دموکراسی است و اختصاص به فرد یا حوزه خاصی ندارد، بلکه برای همگان دارای حجیت است و هر جا که مصادیق برّ و تقوا محقق شود، به استناد آیه تعاون، تعاون بر آن واجب و پرهیز از مصادیق اثم و عدوان لازم است.
۲. حکومت اسلامی به عنوان برترین مصداق نیکی و تقوا، مشمول قاعده تعاون است و لذا حفظ، تقویت آن و متعلقات، مقدمات و ... واجب است.
۳. قاعده تعاون به عنوان یک اصل در همه لایه‌های جامعه و حکومت در حفظ نظم

و قانون‌مداری در بین مردم و مسئولین، کاربرد گسترده دارد، همه روابط درون و بیرون یک جامعه، بر این اصل استوار است. این قاعده در هنگام تعارض با سایر قواعد، بر آن‌ها حاکم خواهد بود.

۴. نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باید بر مبنای تعاون شکل گیرد و دولت و حاکمیت باید نسبت به گسترش سیاست‌ها و برنامه‌های تعاونی تلاش کند و خود نقش کنترلی و نظارتی داشته باشد. نظام اقتصادی مبتنی بر تعاون در حاکمیت اسلامی ابزاری قوی و کارآمد در فرآیند حمایت و مشارکت مردم و توسعه و توزیع عادلانه امکانات و خدمات تلقی می‌شود.

#### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا 7*، مصحح: مهدی لاجوردی، ج ۲، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الإسلام*، مصحح: فیضی آصف، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت، ج ۲، ۱۳۸۵ق.
۵. اعرافی، علیرضا، *درس خارج فقه تربیتی*، پایگاه اینترنتی ارتباط شیعی، مدرسه فقهت، [www.eshia.ir](http://www.eshia.ir): ۱۳۸۷/۸/۲۲.
۶. آملی، میرزا هاشم، *القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد (مجمع الأفكار و مطرح الأنظار)*، ج ۴، قم: المطبعة العلمية، ۱۳۹۵.
۷. حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم*، مصحح: حسین بن عبد الله العمري، مطهر بن علی الایرانی و یوسف محمد عبد الله، ج ۵، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۸. امام خمینی، سیدروح‌الله، *کتاب البیع*، ج ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۹. خویی، سیدابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی*، ج ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسه آل البيت :، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۰۹ق.
۱۱. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (فارسی)، ج ۱، قم: انتشارات امیر قلم، ج ۱، بی تا.
۱۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، ج ۲، قم: منشورات دار الرضی، بی تا.
۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲ و ۸، تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۵. گلپایگانی، سیدمحمد رضا، الدر المنضود فی أحكام الحدود، ج ۱، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
۱۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، تهران: مرکز الکتب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، ج ۶، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب 7، ۱۴۲۴ق.